

برای نخستین بار در تاریخ برگزار می‌شود **رزمایش مشترک آلمان و اسرائیل**

● رزمایش مشترک آلمان و اسرائیل روز گذشته در خاک آلمان آغاز شد؛ رزمایشی که ۱۱ روز ادامه خواهد داشت و طبق قرار، در روز ۲۸ آگوست با بزرگداشت خاطره قربانیان هولوکاست به پایان می‌رسد. به گزارش دویچه‌وله، همکاری‌های نظامی اسرائیل و آلمان در سال‌های گذشته گسترش یافته است؛ اما این نخستین مانور نظامی سربازان آنها است؛ مانوری که در خاک آلمان برگزار خواهد شد و شماری از بازماندگان قربانیان هولوکاست نیز در این رزمایش حضور دارند. هدف از برگزاری نخستین رزمایش مشترک بین اسرائیل و آلمان، آمادگی برای روبرودای با یک «رویداد جدی» اعلام شده و این رزمایش، مانور هوایی را نیز دربر می‌گیرد و به همین دلیل شماری از جنگنده‌های اسرائیل بر فراز آسمان آلمان به پرواز درخواهند آمد. یکی از افسران ارتش اسرائیل که نوه یکی از بازماندگان جنایات ناسیونال‌سوسیالیسم در آلمان است، درباره اجرای این مانور مشترک به خبرگزاری فرانسه گفته است: «این رویدادی تکان دهنده برای همه کسانی است که در این رزمایش شرکت دارند.» گفته می‌شود تعدادی از خلبانان اسرائیلی که در این مانور نظامی شرکت دارند، نوه‌های بازماندگان هولوکاست و از خویشاوندان کسانی هستند که از اردوگاه کار اجباری داخاؤ، جان سالم به در برده‌اند. یک افسر ارتش اسرائیل که در این رزمایش مشترک شرکت دارد، برای نخستین‌بار در تاریخ مجبور شده‌ایم به آلمان بیاییم و به آلمانی‌ها نشان دهیم که برای دوستی و همکاری با آنها اهمیت زیادی قائل هستیم». افزون بر آن، قرار است نیروی هوایی اسرائیل و آلمان، اقدامی مشترک، خاطره قربانیان حمله تروریستی به ورزشکاران در المپیک تابستانی سال ۱۹۷۲ مونیخ را گرامی بدارند. در پنج سال گذشته، سطح همکاری‌های نظامی آلمان و اسرائیل گسترش درخور ملاحظه‌ای داشته است؛ از تبادل اطلاعات نظامی تا همکاری‌های عملی نیروهای نظامی. حتی دو بار و در چارچوب یک رزمایش چندملیتی در خاک اسرائیل، نیروی هوایی آلمان نیز مشارکت داشته است.

اعتراض‌ها در بلاروس همچنان ادامه دارد
اعلام آمادگی رهبر مخالفان برای اداره کشور

● سوتلانا تیخونوفسکایا، رقیب اصلی الکساندر لوکاشنکو در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گوید حاضر است رهبری کشور را به دست بگیرد. به گزارش بی‌بی‌سی، در یک پیام ویدئویی منتشرشده از خاتم تیخونوفسکایا، او از نیروهای امنیتی و نظامی خواسته است از معترضان حمایت کنند. روز گذشته حداقل صد هزار نفر در اعتراض به انتخاب مجدد الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهوری این کشور، در خیابان‌های مینسک، پایتخت بلاروس، تجمع کردند و خواستار کناره‌گیری او شدند. خبرنگار بی‌بی‌سی در بلاروس می‌گوید از شواهد پیداست که ارتش و پلیس همچنان به لوکاشنکو وفادار هستند، اما میزان قدرت او در حال کم‌شدن است. دعوت به اعتصاب از سوی رهبر مخالفان صورت گرفته و میزان عصیانیت مردم از خشونت نیروهای پلیس و امنیتی در مقابل مخالفان روزافزون شده است. مخالفان رئیس‌جمهور بلاروس معتقدند او در انتخابات تقلب کرده است، اما لوکاشنکو این ادعا را رد می‌کند و پیروزی خود را مقتدرانه می‌داند. رئیس‌جمهور بلاروس روز یکشنبه از طرفداران خود خواست از استقلال کشور دفاع کنند. هم‌زمان مخالفان او نیز به خیابان‌ها آمدند و میزان جمعیت آنان چندین برابر طرفداران لوکاشنکو بود که آن را «بزرگ‌ترین تظاهرات مسالمت‌آمیز در تاریخ استقلال بلاروس» خوانده‌اند. لوکاشنکو در جمع هوادارانش در تجمع روز یکشنبه، درخواست برگزاری انتخابات مجدد را رد کرد و نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو را متهم کرد که با استعمار در زمینه‌های امنیتی این کشور قصد دارند تمامیت ارضی بلاروس را خدشه‌دار کنند؛ ادعایی که ناتو تکذیب کرده است. این در حالی است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، به لوکاشنکو قول داده در صورت دخالت خارجی، به کمک او می‌آید؛ اقدامی که معترضان را خشمگین‌تر کرده است.

سال ۲۰۱۶ و در کمپین حزب دموکرات در ایالت آیووا، جو بایدن از برنامه‌ای پرده برداشت که طبق صحبت‌ها و توافقات با باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، او ادامه‌دهنده دولت دموکرات در واشنگتن باشد. درگذشت ترازیک «بیو» پسر بایدن در سال ۲۰۱۵ و ضربه روحی مهلکی که این فقدان به بایدن زد، همه چیز را تغییر داد و در نهایت هیلاری کلinton، بانوی اول سابق این کشور بود که وارد رقابت انتخاباتی شد و در نهایت در برابر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی ایالات متحده شکست خورد. اکنون با گذشت چهار سال این فرصت ایجاد شده تا برنامه اوباما و بایدن برای ریاست‌جمهوری او اجرا شود.

به گزارش وب‌سایت پولیتیکو، باراک اوباما در اعلامیه کمپین دموکرات‌ها در فیلادلفیا، بایدن را «مردی فوق‌العاده و همچنین رئیس‌جمهوری فوق‌العاده» خواند و بلافاصله در شبکه‌های اجتماعی تصاویر اوباما و بایدن در کنار هم از سوی هواداران حزب دموکرات منتشر شد و بایدن هم خود را یک «اوباما-بایدن-دموکرات» معرفی کرد.

اما در پس این دوستی و رفاقت نزدیک اوباما و بایدن داستان پیچیده‌ای جریان دارد. در سال ۲۰۱۶ باراک اوباما حمایت گسترده‌ای از هیلاری کلinton، نامزد حزب دموکرات انجام داد اما در انتخابات سال جاری این اتفاق برای بایدن رخ نداده و رئیس‌جمهوری سابق آمریکا غیر از یکی دو اظهارنظر حمایتی از بایدن که هشت سال معاونش در کاخ سفید بود نکرده است. بر اساس گزارش مفصل پولیتکو، بایدن اعتقاد دارد که عدم حمایت جدی اوباما از او ناشی از تردیدهای رئیس‌جمهور سابق آمریکا و اطرافیانش نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌هایش برای سمت ریاست‌جمهوری است.

لئون پانه‌تا، وزیر دفاع ایالات متحده در دولت اوباما درباره رابطه اوباما و بایدن می‌گوید: «بایدن از هر لحاظ به اوباما وفادار بود. حتی در مورد موضوعاتی که با او اختلاف‌نظر داشت. اما برخی اوقات بایدن فکر می‌کرد که این همه وفاداری‌اش هیچ پاداشی ندارد.» دیگر مقام‌ها و مشاوران دولت اوباما که پولیتکو برای گزارش خود سراغ آنها رفته هم کم‌وبیش دیدگاهی مشابه پانه‌تا دارند: آنها نیز معتقدند در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری اوباما، رابطه دوستانه نزدیکی میان او و بایدن وجود داشت و حتی می‌توان گفت که مانند اعضای یک خانواده با هم رفتار می‌کردند. اما به گفته مشاوران ارشد اوباما، او در مورد مسائل سیاسی و امنیتی مهم اعتماد چندانی به بایدن

نداشت و معتقد بود که دانش سیاسی بایدن منسوخ و قدیمی است. جن ساکی، مدیر ارتباطات کاخ سفید در زمان ریاست‌جمهوری اوباما، ضعف حافظه و سن بالای بایدن را هم مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «هر زمان مشاوران جوان در جلسات اوباما و بایدن حضور داشتند، از بی‌نظمی و پراکنده‌گویی در سخنان بایدن و سابق‌های او در مقایسه با دیسپلین اوباما شگفت‌زده می‌شدند. رفتار بایدن به رفتار پدربزرگ‌های ما در روز شکرگزاری شبیه بود که همیشه موعظه می‌کردند.» عدم درک صحیح بایدن از مسائل امنیتی و سیاسی مهم اخیرا مورد توجه قرار گرفته است و رسانه‌ها آنکه اطرافیان بایدن و اوباما به این تشریه گفته‌اند، بارها با اشاره به کارنامه بایدن در سنا و معاونت ریاست‌جمهوری، ناتوانی او در اتخاذ تصمیم درست درباره مسائل مهم مربوط به امنیت ملی و نیز عدم حمایت او از تصمیمات صحیح در این حوزه را مهم‌ترین نقطه ضعف بایدن می‌دانند.

آنچه در گزارش اخیر پولیتکو بیش از همه سروسدا کرده، ابراز تردید اوباما نسبت به بایدن است. بر اساس آنکه اطرافیان بایدن و اوباما به این تشریه گفته‌اند، باراک اوباما اخیرا در نشست‌ی خصوصی با اشاره به اینکه جو بایدن هنوز نتوانسته رأی اکثرال لازم برای نامزدی نهایی از سوی حزب دموکرات را دریافت کند، هشدار داده که «درحال نباید توانایی عجیب بایدن در خراب‌کردن همه چیز را نادیده گرفت».

بایدن زیر سایه هیلاری
مشاوران بایدن به پولیتکو می‌گویند «اوباما در

تردید رئیس‌جمهور سابق آمریکا درباره پیروزی دموکرات‌ها در سوم نوامبر پشتیبانی ایدایی اوباما از بایدن

نداشت و معتقد بود که دانش سیاسی بایدن منسوخ و قدیمی است.

ضعف حافظه و سن بالای بایدن

جن ساکی، مدیر ارتباطات کاخ سفید در زمان ریاست‌جمهوری اوباما، ضعف حافظه و سن بالای بایدن را هم مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «هر زمان مشاوران جوان در جلسات اوباما و بایدن حضور داشتند، از بی‌نظمی و پراکنده‌گویی در سخنان بایدن و سابق‌های او در مقایسه با دیسپلین اوباما شگفت‌زده می‌شدند. رفتار بایدن به رفتار پدربزرگ‌های ما در روز شکرگزاری شبیه بود که همیشه موعظه می‌کردند.» عدم درک صحیح بایدن از مسائل امنیتی و سیاسی مهم اخیرا مورد توجه قرار گرفته است و رسانه‌ها بارها با اشاره به کارنامه بایدن در سنا و معاونت ریاست‌جمهوری، ناتوانی او در اتخاذ تصمیم درست درباره مسائل مهم مربوط به امنیت ملی و نیز عدم حمایت او از تصمیمات صحیح در این حوزه را مهم‌ترین نقطه ضعف بایدن می‌دانند.

آنچه در گزارش اخیر پولیتکو بیش از همه سروسدا کرده، ابراز تردید اوباما نسبت به بایدن است. بر اساس آنکه اطرافیان بایدن و اوباما به این تشریه گفته‌اند، باراک اوباما اخیرا در نشست‌ی خصوصی با اشاره به اینکه جو بایدن هنوز نتوانسته رأی اکثرال لازم برای نامزدی نهایی از سوی حزب دموکرات را دریافت کند، هشدار داده که «درحال نباید توانایی عجیب بایدن در خراب‌کردن همه چیز را نادیده گرفت».

بایدن زیر سایه هیلاری
مشاوران بایدن به پولیتکو می‌گویند «اوباما در

الگوبرداری اردوغان از تزار روس



تنش رسید، پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد. جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ باعث شد تا رابطه ترکیه با ناتو پیچیده‌تر از قبل شود و پس از آن هم در سال ۲۰۰۷ با مخالفت فرانسه با بخشی کلیدی از مذاکرات بروکسل و ترکیه بر سر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا، رابطه ترکیه و این بلوک تیره‌تر شد. با ایجاد مانع در مسیر پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا این کشور تصمیم گرفت راه خود را از اروپا جدا کرده و متحدانی جدید در روسیه، چین، بلکان و لیبی برای خود دست‌وپا کند. البته رابطه ترکیه و روسیه هم چالش‌های زیادی دارد و بخش بزرگی از این چالش‌ها به دلیل حضور هر دو کشور در جنگ داخلی سوریه ایجاد شده است. در این جنگ روسیه از بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه حمایت می‌کند و اردوغان پس از آنکه دید در سوریه و با وجود روسیه نمی‌تواند منافع خود را تأمین کند، تصمیم گرفت در لیبی در جبهه مقابل روسیه قرار گیرد و دعوت فائز السراج برای مداخله در لیبی به‌سرعت با پاسخ مثبت اردوغان روبه‌رو شد. در آخرین روزهای سال ۲۰۱۹ او نته‌تها چهره ترکیه را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تقویت کرد، بلکه توانست توافق‌نامه مرزی دریایی با لیبی را نیز به امضا برساند و این‌ا ترتیب رودروی یونان، قبرس، مصر و اسرائیل برای توسعه میادین نفت و گاز در زیر دریای مدیترانه قرار گرفت. از آن زمان، روند صلح برلین به رهبری اتحادیه اروپا و سازمان ملل به دنبال خاتمه جنگ در لیبی بود، اما مداخله نظامی ترکیه به‌طور اساسی توازن قوا را تغییر داده است و یک بار دیگر، روسیه و ترکیه آینده کشوری را تعیین می‌کنند که برای منافع اروپا ضروری است اما این‌بار این مسئولیت با ترکیه است. به نظر می‌رسد که اردوغان نیز از استراتژی «تفرقه بینداز و حکمرانی کن» کرملین در قبال اروپا الهام گرفته است. استراتژی‌ای که آن دسته از کشورهای عضو اتحادیه اروپا را که نیاز به انرژی وارداتی از روسیه دارند، در جبهه مسکو قرار می‌دهد و به‌این‌ترتیب شکافی میان اعضای اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند. اردوغان اما با سلاح مهاجران آواره از کشورهای بحران‌زده خاورمیانه اقدام به اعمال فشار بر اتحادیه اروپا می‌کند. هنگامی که اتحادیه اروپا مأموریت جدیدی برای نیروی دریایی کشورهای جنوب اروپا تعیین و ورود اسواح به لیبی را ممنوع کرد، ترکیه باز هم تهدید کرد که مهاجران را روانه جزیره مالت خواهد کرد و سپس اعلام کرد که بودجه مأموریت جدید اتحادیه اروپا را نیز وتو خواهد کرد. سال‌ها بود که اروپایی‌ها می‌گفتند روسیه مانند پسرچهای بدخلق است و تأکید داشتند که نظم تک‌قطبی اروپا همچنان جاوبگوی چالش‌های جدید از جمله از سوی روسیه خواهد بود اما همین نگاه باعث شد تا اروپا به یک هدف آسان‌روی اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» کرملین تبدیل شود. فقط اخیرا اتحادیه اروپا تغییراتی در سیاست خود در قبال روسیه داده و برای جلوگیری از ماجراجویی‌های مسکو تحریم‌هایی علیه مقام‌های روسیه اعمال کرده است، اما اکنون جاه‌طلبی‌های اردوغان است که می‌تواند دردرس‌های تازه‌ای برای بروکسل رقم بزند.

می‌شناسند، می‌گویند باراک اوباما با وجود دوستی نزدیکی که با بایدن داشت اما از نظر فکری و نظم کاری شباهت‌های زیادی میان او و هیلاری کلinton وجود دارد و طبیعی است که در لحظات کلیدی اوباما از هیلاری کلinton حمایت کند.

شاید بتوان ریشه هم‌فکری‌ها و تفاهم موجود میان اوباما و هیلاری را در دوران تحصیل آنها جست. اوباما و هیلاری از دوران دانشگاه در زمره نخیکان بودند. اوباما در دانشگاه کلمبیا و مدرسه حقوق هاروارد درس خوانده بود و هیلاری هم دانش‌آموخته مدرسه حقوق ییل بود. اما سابقه تحصیلی بایدن و رتبه‌های او چندان قابل توجه نیست. سبک کاری هر دو شباهت زیادی به هم دارد و این شباهت در زمان برگزاری جلسات آنها در کاخ سفید کاملاً قابل مشاهده بود. یکی از دستیاران هیلاری کلinton می‌گوید: «در جلسات هیلاری و اوباما در اتاق اضطراری، هر دو هر گزارش و متنی که به آنها ارائه می‌شد را با دقت و جزئی‌نگری عجیبی دو یا سه بار مطالعه می‌کردند اما بایدن خیلی راحت با نگاهی گذرا به برگه‌ها نظر خود را اعلام می‌کرد. این کوچک‌ترین نشانه از تفاوت سبک کاری هیلاری و اوباما با بایدن است».

بهبود روابط کنکره و کاخ سفید
اما ورود احتمالی بایدن به کاخ سفید فاجعه‌ای به تمام معنا هم رقم نمی‌زد. دیوید اکسلرود، استراتژیست ارشد باراک اوباما معتقد است «با وجود تمام نگرانی‌هایی که نسبت به حضور بایدن در کاخ سفید وجود دارد، پیروزی احتمالی او در انتخابات حداقل از یک منظر می‌تواند مفید باشد و آن هم رابطه کاخ سفید و کنکره است. با توجه به سابقه حضور بایدن در سنا و کاخ سفید می‌توان امیدوار بود که در دوره احتمالی ریاست‌جمهوری بایدن رابطه کاخ‌سفید و کنکره حتی از دوره ریاست‌جمهوری اوباما هم بهتر شود».

در ادامه این گزارش آمده است که با وجود تمام ویژگی‌های منفی که بایدن دارد، آیا باید نتیجه گرفت که اوباما سال گذشته فردی را وارث خود خوانده است توانایی اداره کشور را ندارد؟ لئون پانه‌تا پاسخ مشخصی به این سؤال نمی‌دهد و این‌گونه اظهارات خود را به پایان می‌رساند: «به نظر من پیروزی احتمالی بایدن در انتخابات تفاوت‌های چشمگیری را رقم خواهد زد. به محض ورود بایدن به کاخ سفید باید انتظار داشته باشیم که افراد بیشتری، حرف‌ها و قضاوت‌های خود را درباره بایدن مطرح کنند و آن زمان بایدن باید نشان دهد که این قضاوت‌ها تا چه اندازه درست است».

جهان

تردید رئیس‌جمهور سابق آمریکا درباره پیروزی دموکرات‌ها در سوم نوامبر

پشتیبانی ایدایی اوباما از بایدن



سال ۲۰۱۶ از تمام توان خود برای حمایت از هیلاری کلinton استفاده کرد اما در انتخابات کارولینای جنوبی درحالی‌که بایدن در رأی‌گیری‌های قبلی شکست خورده بود و ناکامی در این ایالت می‌توانست پایان زود هنگام کمپین انتخاباتی بایدن را رقم بزند، اوباما با وجود محبوبیت نزد سیاه‌پوستان این ایالت حتی انگشت خود را هم در حمایت از بایدن تکان نداد». مقایسه بایدن و هیلاری کلinton نتنها در دوره انتخابات ۲۰۱۶ مورد توجه اطرافیان بایدن قرار داشت بلکه هشت سال قبل از آن هم تنش‌هایی در میان دموکرات‌ها برانگیخت. بایدن می‌گوید قصد داشت در سال ۲۰۰۸ زودتر از باراک اوباما، نامزد انتخابات شود و به گفته او «اگر این اتفاق رخ می‌داد دیگر اوباما شانس‌ی برای پیروزی در انتخابات نداشت» اما این سخنان خوشبینانه بایدن، نمی‌تواند دلیل اصلی اختلاف‌نظر میان اوباما و بایدن باشد.

نزدیکان بایدن خلاف روایت او درباره توافق اوباما و بایدن برای حضور او در انتخابات ۲۰۱۶، اعتقاد دارند که نزدیکی فکری اوباما و هیلاری کلinton از یک سو و گاف‌ها و موضع‌گیری‌های اشتباه بایدن در کاخ‌سفید که زیر سایه رئیس‌جمهور چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، اوباما را به این نتیجه رسانده بود که حتی قبل از مرگ پسر بایدن در سال ۲۰۱۵، هیلاری کلinton را نامزد مورد حمایت خود برای انتخابات ۲۰۱۶ بداند و برخی مشاوران اوباما می‌گویند این تصمیم در سال ۲۰۱۳ از سوی رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده اتخاذ شده بود.

شاید بود.

شاید بود.

در داخل روسیه را احیا کند. غرب پنج سال پافشاری کرده بود که هیچ راهحل نظامی برای بحران سوریه وجود ندارد و بشار اسد باید از قدرت کنار برود اما درحالی‌که مذاکرات تحت حمایت سازمان ملل متحد در ژنو به بن‌بست خورد، پوتین ابتکار عمل را به‌دست گرفت و با ورود به جنگ داخلی سوریه توازن را برهم زد و موقعیت بشار اسد را در جنگ سوریه بهبود بخشید. پس از آن هم مذاکرات برای راهحل سیاسی بحران سوریه با ابتکار روسیه انجام می‌شود. کرملین با مشارکت‌دادن ترکیه و ایران و عدم دعوت از قدرت‌های غربی برای این مذاکرات می‌خواست این تصور را ایجاد کند که روسیه از خاکستری برخاسته است و دوباره به یک ابرقدرت تبدیل شده است. اردوغان هم در مواجهه با مخالفت فزاینده در داخل ترکیه، تصمیم گرفته تا راهکار پوتین را اجرا کند و به ماجراجویی در خارج از کشورش بپردازد. رئیس‌جمهور ترکیه با علم به اینکه غرب تمایلی به ورود نظامی به بحران لیبی ندارد، فرصت را مغتنم دید تا وارد ماجرا شود و جای پای برای خود در شمال آفریقا باز کند. اردوغان پس از آنکه دید در سوریه و با وجود روسیه نمی‌تواند منافع خود را تأمین کند، تصمیم گرفت در لیبی در جبهه مقابل روسیه قرار گیرد و دعوت فائز السراج برای مداخله در لیبی به‌سرعت با پاسخ مثبت اردوغان روبه‌رو شد. در آخرین روزهای سال ۲۰۱۹ او نته‌تها چهره ترکیه را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تقویت کرد، بلکه توانست توافق‌نامه مرزی دریایی با لیبی را نیز به امضا برساند و این‌ا ترتیب رودروی یونان، قبرس، مصر و اسرائیل برای توسعه میادین نفت و گاز در زیر دریای مدیترانه قرار گرفت. از آن زمان، روند صلح برلین به رهبری اتحادیه اروپا و سازمان ملل به دنبال خاتمه جنگ در لیبی بود، اما مداخله نظامی ترکیه به‌طور اساسی توازن قوا را تغییر داده است و یک بار دیگر، روسیه و ترکیه آینده کشوری را تعیین می‌کنند که برای منافع اروپا ضروری است اما این‌بار این مسئولیت با ترکیه است. به نظر می‌رسد که اردوغان نیز از استراتژی «تفرقه بینداز و حکمرانی کن» کرملین در قبال اروپا الهام گرفته است. استراتژی‌ای که آن دسته از کشورهای عضو اتحادیه اروپا را که نیاز به انرژی وارداتی از روسیه دارند، در جبهه مسکو قرار می‌دهد و به‌این‌ترتیب شکافی میان اعضای اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند. اردوغان اما با سلاح مهاجران آواره از کشورهای بحران‌زده خاورمیانه اقدام به اعمال فشار بر اتحادیه اروپا می‌کند. هنگامی که اتحادیه اروپا مأموریت جدیدی برای نیروی دریایی کشورهای جنوب اروپا تعیین و ورود اسواح به لیبی را ممنوع کرد، ترکیه باز هم تهدید کرد که مهاجران را روانه جزیره مالت خواهد کرد و سپس اعلام کرد که بودجه مأموریت جدید اتحادیه اروپا را نیز وتو خواهد کرد. سال‌ها بود که اروپایی‌ها می‌گفتند روسیه مانند پسرچهای بدخلق است و تأکید داشتند که نظم تک‌قطبی اروپا همچنان جاوبگوی چالش‌های جدید از جمله از سوی روسیه خواهد بود اما همین نگاه باعث شد تا اروپا به یک هدف آسان‌روی اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» کرملین تبدیل شود. فقط اخیرا اتحادیه اروپا تغییراتی در سیاست خود در قبال روسیه داده و برای جلوگیری از ماجراجویی‌های مسکو تحریم‌هایی علیه مقام‌های روسیه اعمال کرده است، اما اکنون جاه‌طلبی‌های اردوغان است که می‌تواند دردرس‌های تازه‌ای برای بروکسل رقم بزند.

منبع:ProjectSyndicate

چرا روسیه لوکاشنکورا تحمل می‌کند؟

احمد وخشیته - **تحلیلگر امور بین‌الملل**

● یک هفته پیش بود که الکساندر لوکاشنکو بار دیگر با درصدی باورنکردنی رئیس‌جمهور بلاروس شد تا این منوی همیشگی ۲۶ساله، برای سال‌هایی دیگر نیز سکان قدرت را در این کشور در دست داشته باشد. این بار نیز مانند گذشته برخی نامزد‌ها رد صلاحیت شدند؛ برخی زندانی و البته مردم معترض به نتیجه انتخابات که پیروزی ۸۰درصدی او در مقابل شکست ۹.۹درصدی سوتلانا تیخونوفسکایا را باورنکردنی می‌دانستند، به خیابان‌ها آمدند.

خبرگزاری تاس روسیه که قسمت ویژه‌ای را به انتخابات بلاروس و اعتراضات پس از آن اختصاص داده است، به تظاهرات هزاران نفری معترضان در خیابان‌های مینسک اشاره کرد و از سوی دیگر به اعزام گسترده نیروهای ضدشورش. دراین‌میان لوکاشنکو معترضان را کوفسندانی خواند که از سمت نیروهای خارجی خط می‌گیرند و همین موضوع کافی بود تا حاکمیت در مقابل اعتراضات مدنی دستت به دامن رفتار قهرآمیز شود و خشونت سیاسی واکنش قدرت حاکم به مردم باشد. دراین‌میان دولت حاکمه حتی با همسایگان نیز روابط مناسبی را برقرار نکرد و هرازچندگاهی یکی را به دخالت در انتخابات محکوم کرد؛ گاهی این موضوع سه‌هم غرب و همسایگان عضو ناتو مانند لتونی، لیتوانی و لهستان شد، زمانی اوکراین و حتی اوقاتی روسیه.
آمارها نشان می‌دهد که ۴۸ درصد تجارت خارجی بلاروس با روسیه است و همین موضوع در کنار برابند همکاری‌های امنیتی و نظامی که دو کشور میان سال‌های پس از فروپاشی با یکدیگر داشته‌اند، حکایت از این موضوع دارد که روسیه مهم‌ترین شریک بلاروس به شمار می‌آید. حال اگر این فرض را بپذیریم که این پرسش پیش می‌آید که چه می‌شود لوکاشنکو یک ماه پیش از برگزاری انتخابات، روسیه و لهستان را به دخالت در امور داخلی کشورش متهم می‌کند و در گام بعد در یک مصاحبه تلویزیونی مدعی می‌شود: «بلاروس، تنها متحدی است که همچنان برای روسیه باقی مانده و من اغلب به پوتین می‌گویم که شما را درک می‌کنم؛ چراکه شما نمی‌توانید بلاروس را از دست دهید».

شاید همین برداشت از رویکرد کرملین درباره مینسک بود که بلاروس به خود جرئت داد چند هفته پیش از انتخابات ۳۳ تبعه روس را بازداشت و اعلام کند که بیش از ۲۰۰ نفر از اتباع کشورهای خارجی با هدف بی‌ثبات‌کردن اوضاع داخلی در ایام مبارزات انتخاباتی به بلاروس وارد شده‌اند.

به نظر می‌رسد سخن از نفوذ قدرت‌های خارجی از سوی لوکاشنکو بیشتر در قالب فرار به جلو برای سرپوش‌داشتن بر هرگونه اعتراضات مردمی درباره دموکراسی خودساخته اوست. بدون‌شک در سال‌های گذشته، ایالات متحده و ناتو به دنبال برقراری ارتباط و گسترش نفوذ در این کشور بودند و پس از تغییر ساختار قدرت در اوکراین و روی‌آرامدن دولتی غرب‌گرا، به دنبال برقراری چنین الگویی در مینسک نیز بوده‌اند که تنها ۶۵۰ کیلومتر با مسکو فاصله دارد و بسیار نزدیک‌تر از خارج نزدیک به کرملین است. اما چرا لوکاشنکو از دخالت روسیه در انتخابات این کشور سخن می‌گوید؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش را می‌توان در موضع‌گیری‌های مسکو جست‌وجو کرد؛ وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که مقامات مسکو از مینسک می‌خواهند تا از تزییق هیجانات منفی غیرضروری در جریان مبارزات انتخاباتی در این کشور دست بردارد. معاون رئیس شورای امنیت روسیه، دشمن جلوه‌دادن مسکو را ابزاری برای تبلیغات انتخاباتی می‌داند و سخنگوی وزارت خارجه روسیه این رفتارها را خیمه‌شب‌بازی بلاروس عنوان کرد که پس از انتخابات فروکش می‌کند.

آیا لوکاشنکو گزینه مطلوب روسیه است؟

بلاروس و روسیه میان سال‌های پس از فروپاشی با وجود اختلافات تاکتیکی در موضوعات دوجانبه به‌ویژه در بحث انرژی و همکاری‌های مرزی، از همکاری راهبردی بهره می‌برند. از یک سو حاکمیت بلاروس که کشورش مجبور از خشک کردن انرژی است، به یک متحد اقتصادی، سیاسی و نظامی نیاز دارد که در مقابل فشار غرب از آن حمایت کند و از سوی دیگر روسیه که با استقرار ناتو در حوزه بالتیک مواجه است، بر اهمیت بلاروس برای ایالات متحده و ناتو بوده‌اند و با همه اماوآلگراییی که لوکاشنکو وجود دارد، تلاش می‌کند برای حفظ برادری میان شهروندان روسیه و روسیه سفید از پیرنگ‌شدن اختلافات بیرهیزد. روسیه تجربه سقوط یانوکوویچ در سال ۲۰۱۴ و ورود اروپا به یک‌تف را به‌خوبی به خاطر دارد و از سوی دیگر نمی‌خواهد بلاروس را که پس از آلمان، دومین خریدار روسیه به شمار می‌آید، از دست بدهد. نگاه مثبت کرملین درباره بلاروس و تلاش برای هم‌گرایی شهروندان دو کشور را که روس محسوب می‌شوند، می‌توان در پیام تبریک پوتین به لوکاشنکو و همچنین گفت‌وگوی تلفنی روز شنبه آنها دریافت. از سوی دیگر باید توجه داشت که برای تردد میان دو کشور ۱۳ بزرگراه و شش خط‌ریلی وجود دارد و در صورت بروز انقلاب رنگی و روی‌کارآمدن دولتی غرب‌گرا، بلاروس تهدید جدی برای روسیه به شمار می‌آید. شاید از این رو بود که هم‌زمان با استقرار پایگاه نظامی ایالات متحده در لهستان، سفیر وقت روسیه در بلاروس هر نوع طرح نظامی علیه بلاروس را به منزله حمله به روسیه خواند.